

گفت‌وگوی صبا با عوامل فیلم مستند «پیشینه قهوه‌خانه»

هنرهای اصیلی که در دل تا



در هفته‌های گذشته مستندی به نام «پیشینه قهوه‌خانه» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی مهدی حدادی زفره که روایتی است از گذر زمان در قهوه‌خانه، از دوره صفویه تا به امروز؛ در گروه هنر و تجربه و سایت هاشور به صورت آنلاین به اکران رسید که مستندی پژوهش محور است. این مستند با گویندگی مسعود سلطانی و با حضور میر سیداحمد محیط طباطبایی، رسول نجفیان، داوود فتحعلی بیگی تولید شده است. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این مستند را می‌خوانید.

مهدی حدادی زفره:

قهوه‌خانه یک میراث فرهنگی است

آشنایی شما با مبحث سنت قهوه‌خانه و نمایش‌های که در آن اجرا می‌شد به کجا بر می‌گردد؟

من نزدیک به دو سال تحقیق و پژوهش داشتم که البته قبل از آن به دلیل اینکه اجداد بنده در این حرفه فعالیت می‌کردند شناختی کافی درباره آن داشتم. پدر بزرگ بنده در محله طرشت قهوه‌خانه‌ای داشت که این قهوه‌خانه نسل به نسل از پدر بزرگم به پدرم و پس از فوت پدرم به من رسید و من مدیریت آن را بر عهده گرفتم. در دوران دانشجویی بود که ساخت یک مستند درباره این موضوع به ذهنم رسید و در کنار شناختی که داشتم به جمع‌آوری اطلاعات و تحقیقاتی درباره قهوه‌خانه مشغول شدم و ایده و ساختار فیلم از همان دوران دانشجویی شکل گرفت.

در زمینه ساخت این مستند مراحل تحقیقات و دسترسی به منابع اطلاعاتی چگونه بود؟

تحقیق و بررسی این مستند نزدیک به دو سال طول کشید. آشنایی با کارشناسان، برنامه‌ریزی و هماهنگی با آنها و انتخاب لوکیشن جهت مصاحبه با کارشناسان محترم پروسه بسیار وقت‌گیر و زمان‌بری بود. طی این مدت چندین کتاب در این مورد خواندم که از مطرح‌ترین آن‌ها باید به کتاب «طهران قدیم» از جعفر شهری و «قهوه‌خانه در آینه اسناد» نوشته مریم صدیقی اشاره کنم. ولی در مورد تحقیقات میدانی به نتیجه‌ای نرسیدم به این دلیل که قهوه‌خانه‌های ایرانی در سطح کشور نبود یا قهوه‌خانه‌هایی که بود مثل قهوه‌خانه قنبر یا قهوه‌خانه آب انبار در چهار راه سیروس بسته شده بودند. البته همانطور که گفتم به دلیل اینکه حرفه اجدادی‌ام قهوه‌خانه بود شناختی نسبت به این موضوع داشتم و از طرفی از آنجا که من فارغ‌التحصیل سینما هستم تصمیم گرفتم اولین فیلمم را با این موضوع بسازم و باید بگویم که تا بحال هیچ فیلمی با این موضوع که یک نگاه تاریخی از دوران صفویه تا امروز نسبت به قهوه‌خانه داشته باشد، ساخته نشده است.

بطور کلی ما در دوره صفویه که عبارت از یک دوره حکومتی ۲۲۳ ساله است با یک اقتدار سیاسی کلی مواجه می‌شویم که به نوعی حکومت مبنای خودش را بر باز آفرینی و رنسانس فرهنگی ایران بنا می‌گذارد و به نظر من تا حدود زیادی توانسته خدمات شایان توجهی برای احیاء و سنت‌های ایرانی فراهم کند. از این باب، قهوه‌خانه‌ها به گمان من مکانی هستند که هنرهای آیینی و سنتی، نقالان، راویان و هر آنچه از هنرمندان سنتی و آیینی ما که در کوی و برزن‌ها پراکنده بودند در این پاتوق گرد آمدند. اصطلاح پاتوق هم یک لغت ترکی مغولی است. توق عبارت از آن بیرق یا پارچه‌ای است که به عنوان یک نماد در بالا قرار گرفته و عده‌ای که زیر پای آن قرار می‌گیرند، اصطلاح پاتوق از لحاظ لغوی به معنی محلی برای گرد آمدن افراد است و قهوه‌خانه اساساً پاتوق قلمداد می‌شده و این پاتوق بوده که باعث می‌شده‌اند در قهوه‌خانه جمع شوند.

ژان گوره در کتاب خودش اشاره می‌کند که کشاورزان اصفهانی صبح‌ها که برای آبیاری می‌رفتند، بعد از آبیاری صبحانه را در قهوه‌خانه‌ها صرف می‌کردند. خوب دو روایت هم هست و البته هر دو هم قرین و به صحت است یکی اینکه قهوه‌خانه‌ها در قزوین شکل گرفته‌اند، برای اینکه حکومت صفویه ابتدا از اردبیل آغاز شده، بعد به تبریز و سپس از تبریز به قزوین و در نهایت به اصفهان می‌آید. بنابراین نخستین نشانه‌های ما از وجود مهمان‌خانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها در قزوین سپس در اصفهان داریم و بعد از آن در دوره کوتاه زندگی در فارس و پس از آن در خیابان ناصر خسرو تهران که در واقع در ضلع شرقی کاخ گلستان است. بنابراین قهوه‌خانه‌ها محلی می‌شود برای حضور نقالان، شاهنامه‌خوانان حتی خیمه‌شب‌بازان و اصلا یک پاتوقی می‌شود برای مردم، از این جهت اگر ما بخواهیم یک مکان هنرهای نمایشی را معرفی کنیم باید برای نمایش‌های ایرانی به قهوه‌خانه‌ها اشاره کنیم که محلی برای حضور هنرمندان ایرانی بودند و این سنت تا دوره‌های اخیر هم رایج بوده است. جای تاسف دارد که امروزه قهوه‌خانه‌ها در یک

نداریم که یک نقال بیاید، نقل بگوید. منوی کافه‌های ایرانی نیز دیگر ایرانی نیست باور کنید یک سری اغذیه و اشریه در منوی آنهاست که به نظر من این اشریه ایرانی هیچ دست کمی از آن غذاهای فرنگی ندارند.

قهوه‌خانه برای جامعه امروزی از چه جهاتی اهمیت دارد؟

قهوه‌خانه یک میراث فرهنگی است. ما باید در قهوه‌خانه کارهای ایرانی و هنر ایرانی را به معرض دید عموم بگذاریم. همانطور که پیش از اینکه تالارهای نمایشی‌ای چون تئاتر شهر و تئاتر وحدت داشته باشیم این قهوه‌خانه‌ها بودند که این رسالت را انجام می‌دادند و از این حیث باید منزلت قهوه‌خانه را پاس بداریم. حس می‌کنم به عنوان یک ضرورت فرهنگی، متولیان فرهنگ و هنر حتماً باید به فکر ایجاد و حمایت از قهوه‌خانه‌های ایرانی باشند چرا که اینها بخشی از هویت ماست و این امر باعث می‌شود ما به آن اصالت‌های خودمان باز گردیم و از این جهت جای قهوه‌خانه‌های ایرانی در این روزگار بسیار خالی به نظر می‌آید.

آیا از مستند سازهایی که آثارشان نسبتی با فرهنگ و

جامعه‌شناسی ایران دارند حمایتی می‌شود؟

در این زمینه متأسفانه هیچ گونه اطلاعی ندارم مستند «پیشینه قهوه‌خانه» اولین فیلم مستند بلند بنده بود که تهیه‌کنندگی و کارگردانی آن را بر عهده داشتم که در گروه هنر و تجربه اکران آنلاین شد و کاملاً با بودجه شخصی خودم ساخته شده بود.

روایات مختلفی در مورد منشاء ورود قهوه‌خانه وجود دارد

لطفاً در این زمینه بگویید.

قهوه‌خانه به روایتی از عربستان و به روایتی از ترکیه وارد شده و بر عکس آن بعضی می‌گویند که از ایران به ترکیه رفته است. بخاطر اینکه اولین قهوه‌خانه‌های ترکیه نیز نامشان همین قهوه‌خانه بوده که یک واژه

شکل مدرن و جدید به کافه تبدیل شده‌اند. آخرین رقمی که من دارم اینست که در تهران بزرگ نزدیک به چهار هزار و اندکی کافه وجود دارد اما جای تاسف که حتی یکی از اینها قهوه‌خانه نیست و امروز متأسفانه شما نمی‌توانید حتی یک نمونه قهوه‌خانه ببینید که نقالی در آن اجرای برنامه کند یا یک پرده خوانی، خیمه‌شب‌بازی یا سخنوری یا مشاعره که جزو سنت‌های رایج بود، صورت گیرد و اثری از آن آیین‌ها و هنرهای نمایشی که در قهوه‌خانه‌ها اجرا می‌شد و قهوه‌خانه را به نوعی یک محفل و تماشاگاهی برای اجرای نمایش‌های ایرانی تبدیل کرده بود، امروز نیست.

همه اینها جزو هنرهای ایرانی بودند که در قهوه‌خانه انجام می‌شد ضمن اینکه همین‌جا باید اشاره کنم که یک هنری بنام هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای حسب همین فضا ایجاد شد که به سبقه و سیاق قهوه‌خانه هم معرفی شد یعنی در کنار همان نقالی که مرشد نقل می‌کرد یک نقاش در گوشه‌های دیگر از قهوه‌خانه حضور داشت و تصاویر هر آنچه که نقل، نقل می‌کرد را به نوعی در تابلو خودش حک می‌کرد. به هر حال دستاورد دیگر قهوه‌خانه نقاشی قهوه‌خانه‌ای است که از یک سوز و قایع مذهبی تاثیر پذیرفته و از سوی دیگر از قایع ملی، شاهنامه و فرهنگ حماسی، از این باب از نظر من قهوه‌خانه‌ها را از چند منظر می‌توان مورد توجه قرار داد یک اینکه محلی برای حضور و همراهی ایرانیان بودند و دیگری اینکه محلی برای نقالان که پیش از آن در کوی و برزن سرگردان بودند و به قول زنده یاد اخوان ثالث این خادمان بی‌نام و نشان شاهنامه یک محلی پیدای می‌کنند.

آخرین نمونه‌هایش نیز در اصفهان بوده و حتی در این تهران قدیم علی‌رغم این همه قهوه‌خانه‌های متعدد متأسفانه یک قهوه‌خانه ایرانی